

# امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

نام و نام خانوادگی: .....  
 رشته کلام: ۹۷  
 مهر مدرسه: .....  
 تاریخ: ۱۴/۱۰/۱۳۹۸  
 مدت: ۶۰ دقیقه

شماره پانام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره پانام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۳۹۸۱/۱۹
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۸
عنوان:	فلسفه اسلامی ۲
کتاب:	نهایه الحکمه
محدوده:	جلد سوم: مرحله هشتم: فی العلة و المعلول (ص ۷۵۱-۵۹۹) مرحله نهم: هشت فصل اول (ص ۸۱۸-۷۵۳) مرحله دهم: حدوث و قدم (پنج فصل آخر) (ص ۸۹۱-۹۰۸) جلد چهارم: مرحله یازدهم: فی العقل و العاقل و المعقول (هفت فصل اول) (ص ۹۱۵-۹۷۷)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلایی: ..... مدرسه علیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- کدام مطلب در اثبات قاعده الواحد «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» مستقیماً استفاده می شود؟ ج ۳ ص ۶۴۱ س ۳ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۱-۹۰ و شهریور ۹۲-۹۱) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

۰/۵

- الف. سنخیت ذاتی بین علت و معلول ☒  
 ب. اصالت وجود و اعتباریت ماهیت ☐  
 ج. وحدت وجود و کثرت موجود ☐  
 د. تقدم وجودی علت بر معلول ☐

۲- کدام فاعل قبل از انجام فعل، فاقد علم تفصیلی به فعل است؟ ج ۳ ص ۶۶۶ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (آزمون ورودی سطح چهار سال تحصیلی ۹۷-۹۶)

۰/۵

- الف. قصدی ☐  
 ب. بالتجلی ☐  
 ج. بالرضا ☒  
 د. عنایی ☐

۳- «زیاد شدن حجم جسم» حرکت در کدام مقوله است؟ ج ۳ ص ۷۹۶ (امتحانات تکمیلی شهریور ۸۹-۸۸ و شهریور ۹۱-۹۰)

۰/۵

- الف. حرکت در کمیت ☒  
 ب. حرکت در کیف ☐  
 ج. حرکت در وضع ☐  
 د. حرکت در این ☐

۴- تعقل نفس «لجميع ما حصلت» چه نام دارد؟ ج ۴ ص ۹۷۱ (امتحانات تکمیلی نیمسال دوم ۹۲-۹۱) (امتحانات تکمیلی مجدد ۹۳-۹۲)

۰/۵

- الف. عقل اجمالی ☐  
 ب. عقل مستفاد ☒  
 ج. عقل بالفعل ☐  
 د. عقل فعال ☐

۵- استدلالی بر «اصل علیت» تقریر کرده، چرا «ماهیت» مجعول علت نیست؟ ج ۳ ص ۶۰۱ و ۶۰۴ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۴-۹۳) (آزمون مدارج علمی آبان ۹۴)

۲

جواب: ماهیت در حد ذاتش نه موجود است و نه معدوم. پس متساوی النسبة است به وجود و عدم و اگر بخواهد موجود شود نیازمند رجحان یک طرف است که این رجحان سه احتمال دارد: ۱. بدون مرجح حاصل شود نه از جانب خودش و نه از جانب غیر که ترجیح بلا مرجح است و محال. ۲. خودش مرجح باشد نمی شود زیرا موجود نیست تا مرجح باشد. ۳. مرجح خارجی آن را موجود کند که همان علت است و این احتمال متعین است. (۱/۵ نمره) ماهیت مجعول نیست، زیرا اولاً ماهیت امری اعتباری است در حالی که آن چه معلول از علت خویش دریافت می کند امری اصیل است. افزون بر این که علیت یک رابطه عینی خاص میان علت و معلول است و ماهیت از آن جهت که در مرتبه ذات لیست الا هی (هیچ گونه تحقیقی ندارد)، نمی تواند با علت رابطه برقرار کند. [نوشتن یک دلیل کفایت می کند] (۰/۵ نمره)

۶- مراد متکلمین از عبارت «ان افعال الله لا تعلل بالاغراض» را به همراه دلیل آن ها ذکر کنید و سپس نقد مرحوم علامه بر آن را بنویسید.

۲

ج ۳ ص ۷۱۴ و ۷۱۵ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۶-۹۵)

جواب: مراد متکلمین این است که خداوند غایتی در افعالش ندارد زیرا او غنی بالذات است و اگر افعالش هدف و غایتی داشته باشد محتاج می شود رد کلام ایشان: فعل فاعل می تواند خودش خیر بوده و مطلوب بالذات باشد و وجود غایت برای فعل مستلزم این نیست که فاعل محتاج به غایت باشد زیرا می شود که فعل و غایت متحد باشد یعنی فعل عین غایت است. مثل فعل فاعل های مجرد تام.

۷- تعریف ارسطو (معلم اول) از حرکت را با ذکر مثال توضیح دهید. ج ۳ ص ۷۷۴ س ۲ (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۰-۹۱) (آزمون مدارج علمی

مرحله دوم ۹۱) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول ۹۵-۹۶)

جواب: ارسطو حرکت را چنین تعریف کرده است: حرکت کمال اولی است برای چیزی که بالقوه است از آن جهت که بالقوه است (کمال اول لما بالقوه من حیث انه بالقوه). این تعریف را در قالب مثال زیر می توان توضیح داد: اگر سنگی را در نظر بگیریم که می تواند در مکان جدیدی مانند الف قرار بگیرد دو امر برای آن ممکن خواهد بود، یکی تمکن و قرار گرفتن در نقطه الف و دیگری سیر به سوی آن. سیر، کمال اول است زیرا جنبه مقدماتی دارد و تمکن، کمال ثانی است چون مطلوب حقیقی است هرگاه سنگ سیر خود را آغاز کند برای آن کمالی تحقق یافته است ولی نه به صورت مطلق بلکه از آن جهت که هنوز نسبت به کمال ثانی اش یعنی تمکن بالقوه است.

۸- علت نپذیرفتن حرکت جوهری توسط قدما فلاسفه را به همراه جواب اجمالی آن بنویسید. ج ۳ ص ۸۰۱ و ۸۰۲

جواب: علت نپذیرفتن: چون لازمه آن این است که حرکت بدون موضوعی که در طول حرکت ثابت و برقرار باشد، تحقق یابد. یعنی حرکت بدون متحرک و این محال است. (۱ نمره) جواب: حرکت جوهری موضوع دارد و آن ماده است. (۱ نمره)

۹- مراد از «حدوث بالحق» و «حدوث دهری» را تبیین کنید. ج ۳ ص ۹۰۵ س ۱ آزمون مدارج علمی مرحله سوم ۹۲) (امتحانات تکمیلی نیمسال اول

۹۳-۹۴) (آزمون مدارج علمی شهریور ۹۷)

جواب: حدوث بحق عبارت است از مسبوق بودن وجود معلول به وجود علتش به اعتبار سبق و لحوق میان دو وجود نه به اعتبار سبق و لحوق میان ماهیت وجود یافته معلول و علت آن گونه که در حدوث ذاتی ملاحظه می شود. [در حدوث و قدم ذاتی برای معلول، وجودی فی نفسه و ذاتی مستقل از علت در نظر گرفته می شود اما در حدوث و قدم به حق بر این حقیقت تکیه می شود که وجود معلول در مقایسه با علت خود، یک وجود رابط و فی غیره است و عین فقر و تعلق به آن می باشد و چنین وجودی متأخر از آن در رتبه پس از آن بوده و در نتیجه نسبت به آن حادث خواهد بود.] حدوث دهری عبارت است از بودن ماهیت موجوده معلول، مسبوق به عدمش که متقرر است در مرتبه علت به این نحو که عدم معلول از حیث محدودیت از مرتبه علت انتزاع می شود اگر چه علت کمال معلول را به نحو اعلی دارد.

۱۰- عبارت «أنا كثيراً ما ندرک شیئاً من المعلومات و نخزنه عندنا ثم نذكره بعینه بعد انقضاء سنین متمادیه من غیر ائی تغییر؛ و لو کان

مقیداً بالزمان لتغیر بتغیره» دلالت بر چه مطلبی دارد؟ توضیح دهید. ج ۴ ص ۹۲۸ س ۴ (امتحانات نیمسال دوم ۹۰-۹۱ و شهریور ۹۱-۹۲) (آزمون

علمی مدارج شهریور ۹۵)

جواب: این عبارت دلالت بر مجرد بودن علم [و میرا بودن ادراکات از زمان] می کند (۱ نمره) و توضیح آن به این صورت است که ما خیلی مواقع چیزی را درک می کنیم و آنگاه آن را نزد خود در قوه حافظه بایگانی می کنیم و پس از سپری شدن سالیان دراز همان صورت علمی را و همان ادراک را بعینه یادآور می شویم بدون آن که هیچ تغییری در آن روی داده باشد و اگر آن ادراک مقید به زمان بود با گذشت زمان در آن تغییر و تحول روی می داد و همین عدم تغییر دلیل بر میرا بودن ادراکات انسان از زمان و در نتیجه مجرد بودن علم است. (۱ نمره)